

## بهاریه

یادداشت سید امیرخرم

بهار ۸۷

و بهار آمده است  
تا درختان را سبزینه پوش کند  
و کدورت را از دلها بزدايد  
و مرگ قندیلها را به انتظار نشیند  
در سرزمینی که  
مرگ صنوبرانش حادثه نیست  
و برگ ریز درختانش  
جز تفنن کودکانه ای، شاید  
و قندیل هایی که صد سال . . . . .

و مردمانی که دیربست دستانشان را از برای فشردن هیچ دستی  
از بغل هاشان بیرون نیاورده اند

\*

\*

ای کاش آموخته بودیم عاشقانه زیستن را  
زیرا آنان که عاشقانه نزیسته اند، عاشقانه مردن را نیز نتوانند

ای کاش باور داشتیم آفتاب را و تابش هر روزه اش را که بی دریغ است  
و ایمان داشتیم به رویش دوباره هر دانه ای، بذری، جوانه ای

ای کاش میدانستیم چگونه بودن را  
تا شاید چگونه شدن را خود بر می گزیدیم

\*

و آنگاه بهار را شایسته میزبانی می شدیم